

نظام مقاطعه و پیامدهای مالی آن در دولت عثمانی (قرون یازده تا سیزده قمری)

علی میرمحمدلو^۱

نصرالله پورمحمدی املشی^۲

محمد تقی امامی خویی^۳

چکیده: مقاطعه اساس نظام مالی دولت عثمانی در سده‌های یازده تا سیزده قمری بود که پس از فروکش کردن فتوحات و فروپاشی سیستم تیمار، جایگزین آن شد و تغییراتی در نظام مالی عثمانی به وجود آورد. در این دوره مهم ترین منبع درآمد دولت از طریق مقاطعه کاری بود. دولتمردان نیز برای غلبه بر مشکلات مالی، در نظام مالیاتی، مقاطعه کاری را در قلمرو حکومتی گسترش دادند و تغییر و تحولات لازم را در آن به وجود آورده‌اند. از جمله افراد مؤثر در این سیستم، متنفذانی چون بیگلریگی‌ها، افراد سپاهی و حتی ثروتمندان غیرمسلمان بودند. نظام مقاطعه به سبب برخی تحولات در شیوه مقاطعه کاری ولایات،أخذ بی‌رویه مالیات‌ها، صدور برات و جمع آوری نامناسب مالیات، عملکرد خودسرانه متصدیان و ستم دست‌اندرکاران به رعایا، موجب ناراضایتی اجتماعی بهخصوص در میان کشاورزان شد که نقش مهمی در افول امپراتوری عثمانی داشت. نگارندگان این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی- تحلیلی و با نگاه انتقادی در صدد بررسی تحولات نظام مقاطعه، کارکردهای آن و وظایف مقاطعه‌داران در برابر حکومت مرکزی عثمانی و دلایل فروپاشی نظام مقاطعه در امپراتوری عثمانی بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: دولت عثمانی، نظام مقاطعه، مالیات، اقطاع، تیمار

۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران anfe271@yahoo.com

۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) (نویسنده مسئول) poor_amlashi@yahoo.com

۳ دانشیار تاریخ ایران دوره اسلامی، واحد شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Dr_mtemami@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

Mukata'a System and its Financial Consequences in the Ottoman Government (11th-13th centuries AH /17th-19th centuries AD)

Ali Mirmohammadloo¹

Nasrollah Pourmohammadi Amlashi²

Mohammad Taghi Emami Khoei³

Abstract: Mukata'a (contracting) was the basis of the financial organization of Ottoman government in the last centuries. When the number of victories decreased and Timar system collapsed, it was replaced by Mukata'a which led to certain changes in the financial system of the Ottoman government. Mukata'a was the most important source of income of the treasury. In order to overcome financial and tax collection problems, the government spread out the practice of Mukata'a all over its lands and made the required changes. Among the most influential people practicing Mukata'a were the Sipahis (army members), Biglerbegi, and non-muslim wealthy fellows (i.e. the opulent rich). Due to some changes in the methods of Mukata'a systems in some provinces, excessive tax collection, imposing Barat and improper collection, the authorities' contumacious actions, and oppressing the subjects caused a great social dissatisfaction specially among the farmers, which consequently played an important role in the decline of Ottoman Empire. The present research aims to study the transformations of Mukata'a systems, its functions and the role of contractors in the central Ottoman government, and the factors that caused the decline of practicing Mukata'a throughout the Ottoman Empire using a descriptive-analytic method and critical approach.

Keywords: Ottoman government, Mukata'a system, tax, Iqta', Timar.

1 PhD Student in History and Civilization of Islamic Nations, Department of Theology and Islamic Studies, Takestan Branch, Islamic Azad University, Takestan, Iran. anfe127@yahoo.com

2 Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini International University (Corresponding Author) poor_amlashi@yahoo.com

3 Associate Professor of Islamic History of Iran, Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Dr_mtemami@yahoo.com

Received: 2021/04/21 Accepted: 2021/09/9

مقدمه

قلمرو امپراتوری عثمانی سرزمین‌های وسیعی از سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را در بر می‌گرفت که حدود پنج قرن بر این منطقه استراتژیک حاکمیت داشت. بیشتر تحقیقات به جلوه‌های نظامی این امپراتوری و کنش‌های نظامی و سیاسی حکام و فرماندهان آن معطوف است. بدون تردید، تعدد نیروی نظامی و اداره قلمرو جغرافیایی گسترده در بازه زمانی نامبرده، نیازمند نظام اقتصادی منسجم و توانمندی است که در پرتو آن نیازهای مالی حکومت برطرف شود و شرایط اقتصادی نسبتاً مطلوب برای مردم فراهم گردد، اما این موضوع مهم کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. عثمانیان با حفظ عرف و عادات گذشته، در زندگی اجتماعی صاحب یک نظام مالی خاصی برای اداره امور حکومت خود بودند که مرتب به سوی اصلاحات و تکامل پیش می‌رفت. با توجه به زمان و مکان، از این اصلاحات مالی کاربردهای متفاوتی سرچشمه گرفته است. در اصل تاریخچه این نظام مالی به دوره عباسیان بر می‌گردد، اما مقاطعه کاری در اوآخر عهد سلجوقيان و به‌ويژه در دوره ایلخانان بسیار گسترده شد و به معنای «دادن التزام در مقابل مقدار مشخصی از مالیات» بود. بدین ترتیب، در میان سلجوقيان آسیای صغیر نیز متداول و به مرور زمان به دولت عثمانی منتقل شد. منابع معتبر تاریخی کاربرد این نظام مالی را به دوره سلطان اورخان عثمانی (حک: ۷۶۱-۷۲۶ق) مربوط دانسته‌اند (عاشق پاشازاده، ۱۳۳۲: ۲۰). به گفته پاکالین، پس از تصرف آسیای صغیر توسط ترکان، درآمد اراضی به عنوان تیمار به امیران و لشکریان واگذار می‌شد. زمانی که عثمانیان مستقر شدند، شیوه‌های زمین‌داری را تغییر دادند و تیمارها را به برات و طغرای جدید واگذار کردند (Pakalın, 1971: 238). پس از فتح اراضی و تبدیل آن به تیمار و زعیم، سرزمین‌های متصرفی بلافاصله به نسبت بین وزرا و امراء خاص همایون تعیین و تقسیم می‌شد. عایدات عثمانی غالباً از جزیه شرعی و مالیات از امراء غیرمسلمان، نظیر عایدات گمرک و غایم خمس بود؛ که خمس مهم‌ترین آنها به شمار می‌رفت. با این حال، دولت در کنترل و جمع‌آوری مالیات‌ها با موانع و مشکلات متعددی مواجه بود (امامی خویی، ۱۳۹۵: ۱۸۷) و همواره برای جلوگیری از فرار مالیاتی و دستیابی به نظام صحیح مالی تلاش می‌کرد (اووزون چارشیلی،

(Tabakoğlu, 1985: 42؛ ۱۲۵/۵: ۱۳۷۷). به همین منظور در دوره‌های مختلف اقدامات گوناگونی در تشکیلات مالی^۱ انجام داد. نظام مقاطعه^۲ یکی از اشکال جمع‌آوری مالیات دولت عثمانی بود و به عنوان منبع درآمد دولت به شمار می‌رفت. حکومت تلاش می‌کرد از طریق این سیستم منابع نقدی را روانه خزانه و از فرار مالیاتی جلوگیری کند تا درآمد حاصل از آن به‌طور مستقیم به دیوان همایون^۳ منتقل شود (Barkan, 1943: 314). ایجاد مقاطعه‌های جدید سبب شد مالیات بر برخی از مناطق که مدت‌ها غیرمالیاتی محسوب می‌شد، وارد چرخه و تحولات اقتصادی شود و زمینه‌های رونق مالی جدید را فراهم کند. در این شیوه، دولت عثمانی برای برآورد مالیات یک منطقه، با مالکان و متصرفان زمین معاهده‌ای می‌بست که براساس آن، هر سال مبلغ معینی بدون توجه به افزایش یا کاهش درآمد املاک، به دولت پرداخت می‌شد. برای بررسی پدیده مقاطعه و انواع آن در دولت عثمانی، توجه به این نکته ضروری است که بخش بزرگی از قلمرو عثمانیان مشکل از اقطاعات جنگی بود و غالباً به سرداران فاتح واگذار می‌شد (صولاقبزاده، ۱۲۹۷: ۴۶۴) و بیشترین فتوحات و متصرفات نیز در سرزمین‌های اروپایی و عربی قرار داشت که به عنوان تیمار از آنها یاد می‌شد. به تدریج سیستم تیمار از نظر نظامی و مالی ارزش خود را از دست داد. در نتیجه، دولت عثمانی در جمع‌آوری سهم اراضی کشاورزی با نقصان مواجه شد. در اواخر قرن دهم هجری قمری حکومت به تدریج سیستم تیمار را ترک و وارد نظام مقاطعه شد و جمع‌آوری مالیات‌های اراضی را برای مدت مشخص به نام مقاطعه از راه مزایده به فروش می‌رساند. سرانجام نظام مقاطعه جایگزین تیمار شد (Pamuk, 2003: 95). بیشتر تحقیقات درباره امپراتوری عثمانی، به گسترش اراضی و نهادهای نظامی و سیاسی یا اقدامات مذهبی معطوف بوده است. نویسنده‌گان این پژوهش کوشیده‌اند تا نشان دهند که بنیاد تحرکات نظامی و اقدامات سیاسی و

۱ امورات مالی را دفترداران انجام می‌دادند. به دفتردار مرکزی «دفتردار داخلی» (Kapı Defterdar) و به دفتردار ایالت‌ها «دفتردار بیرونی» (Kenar Defterdar) می‌گفته‌ند (Onar, 1962: 649).

۲ MUKĀTAA

۳ مهمنترین دیوان در کشور عثمانی بود و به ریاست سلطان یا وزیراعظم تشکیل جلسه divan- hümâyûn می‌داد (Ortaylı, 1979: 132).

مذهبی حکومت عثمانی بر مبنای برخورداری از نظام مالی استوار بوده و همراه با گسترش قلمرو و نیازهای جامعه تغییرات یا اصلاحات در نظام مالی در دستور کار گزاران حکومت عثمانی بوده است. البته زمانی که نهاد مالی نتوانست خود را همراه با تحولات و مطالبات در تاریخ معاصر هماهنگ کند، زمینه سقوط عثمانی فراهم شد.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تحقیقات گسترده‌ای درباره مسائل اقتصادی و تجاری و بازارگانی در دولت عثمانی انجام گرفته است، اما مطالعه مجزا و منسجمی به‌ویژه درباره نظام مقاطعه در ساختار تشکیلات و تحولات مالی امپراتوری عثمانی انجام نشده است. در بررسی‌های منابع متقدم و متأخر نیز تأییفات و تحریراتی در قالب کتاب به زبان ترکی عثمانی و استانبولی و انگلیسی و تعدادی هرچند اندک به فارسی ترجمه شده و در دسترس است، اما آثار و اسناد فراوان و معتبر قابل انتسابی در زمینه تشکیلات مالی و دیوانی عثمانی وجود دارد که در پژوهش حاضر بهره لازم از آنها گرفته شده است. مطالعات اندکی در قالب نظام تیمار (که تا اوایل سده یازدهم قمری تداوم داشته) و اقطاع که به طور عام مربوط به جهان اسلام می‌باشد، انحصار شده است. از میان منابع متأخر می‌توان به آثار ترجمه شده همچون کتاب دو جلدی دولت و جامعه در دولت عثمانی اثر احسان اغلو و جمعی از نویسنده‌گان (۱۳۹۶ش) اشاره کرد که در جلد نخست مطالب مختصری درباره مقاطعه در قالب ساختار اقتصادی دولت عثمانی بیان شده است. استانفورد جی‌شاو نیز در کتاب تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید (۱۳۷۰ش) در بخش «دستگاه اداری عثمانی» به فرایند اداری مالی و مقاطعات اشاره کرده است. علاوه بر این، نویسنده‌گانی چون «Halil Sahillioğlu» (۱۹۶۳م)، «Ahmet Tabakoğlu» (۱۹۸۵م) و «Tosuner Mehmet» (۱۹۸۹م) نیز به نظام مقاطعه در مباحث مربوط به نظام مالیات دولت عثمانی پرداخته‌اند. البته در هیچ‌یک از آثار نامبرده، به مقاطعه از منظر تأثیر آن در فراز و فروز حکومت عثمانی و اهمیت آن در سقوط این امپراتوری توجه و تأکید لازم نشده است.

نظام مقاطعه

مقاطعه به معنای «مقطوع بودن» است. شخصی که اقطاع می‌گیرد، «مقطوع» نامیده می‌شود. مقطع و مقاطعه که ریشه در کلمه اقطاع دارد، گویا از قرآن مجید (سوره رعد، آیه ۱۳) گرفته شده است. این کلمه یک معنی کلی دارد و می‌تواند به عنوان توافق متقابل در مورد مقدار مشخص تعریف شود. انواع مختلفی از کاربرد وجود دارند که با توجه به زمان و مکان تغییر می‌کنند؛ یعنی مالیات منطقه‌ای اعم از زمین، آب، معدن، یا منافع حاصل از آن، به مبلغ معینی به‌طور محدود در زمان معین یا نامحدود به فردی واگذار می‌شود. در آغاز، عثمانی‌ها واژه «التزام» را به مفهوم «مقاطعه» برای برخی مالیات‌های متعلق به دولت به کار می‌بردند. در این دوره، مقاطعه مفهوم «مبلغ توافق در قرارداد» را شامل می‌شد که مقدار مشخصی از مالیات و عوارض متعلق به دولت از واحد کشاورزی را در بر می‌گرفت. طبق متون مالی عثمانی، به نظر می‌رسد با ایجاد تغییر و تحول در مقاطعه، از اواسط قرن یازده تا اواسط قرن سیزده قمری در نظام مالی دولت عثمانی اعتبار داشت (Genç, 2006: 129). در نظام مالی عثمانی نهادهایی بودند که درآمد سالیانه معینی داشتند؛ مانند معادن زغال و فلزات، اداره گمرک، معدن نمک، شیلات و ضرابخانه که محتوای مالی برخی از مالیات‌های متعلق به خزانه را تشکیل می‌دادند و به عنوان حقوق و مستمری به درباریان، سپاهیان و مأموران دولتی پرداخت می‌شدند؛ یا سهمی از حق بیت‌المال از اراضی میریه با شرایط خاص به سپاهیان و اشخاص متنفذ و مقامات مذهبی، مانند قضات، امامان، سراسقفاها و اسقفها و حتی برخی زنان متنفذ اعطای شد (طاشکوپریزاده، ۱۳۹۵: ۱۰۸/۱). مقاطعه کاری به مفهوم «مقطوع»^۱ نیز به کار رفه است؛ یعنی مبلغی که حاکم یا امیر محلی به صورت مقطوع به عنوان مالیات به سلطان می‌پرداخت. حال آنکه مقاطعه در اصطلاح دیوانی، دستیابی دولت به تمامی درآمدهای اراضی و غیر آن، از قبیل معادن و کارگاه‌های پارچه‌بافی، تنبکو، قنادی و غیره اشاره دارد که پیش از آن وجود نداشت و یا در اختیار تیمارداران بود. تمامی این درآمدها بدون دخالت یا سهم خواهی مقطعن وارد خزانه

¹ maktu

دولت می شد. در نتیجه، مقبولیت نظام مقاطعه نیز نزد سلطان عثمانی بیشتر می شد و زمینه برای سقوط سیستم تیمار شتاب بیشتری می گرفت (Genç, 1985: 139).

روش‌های اداره مقاطعات

۱. **توسط مأمور دولت:** از جمله روش‌های اداره مقاطعه سپردن آن به مأموران حکومتی بود که به آنها «امین» می گفتند. این روش زمانی انجام می شد که کسی مقاطعه را التزام نمی کرد؛ به همین دلیل برای تعیین درآمد به صورت امانت به مأموران حکومتی واگذار می شد. مقطعاًن در این شیوه، استانداران و فرمانداران بودند. آنها مالیات قلمرو خود را به عنوان مقاطعه‌دار پرداخت می کردند و آنچه می خواستند از مردم می گرفتند. این امر خلاف شریعت اسلام بود؛ زیرا استاندار یا فرماندار و کیل و امین خلیفه بود و آنچه دریافت می کرد، باید بی کم و کاست می پرداخت (زیدان، ۱۳۸۲/۱: ۱۸۱). در این روش اداری، پس از کسر هزینه کارمندان و خدمتگزاران، سایر حقوق معاش، کرایه، سوخت‌بها و مرمت و باقیمانده عواید به مرکز ارسال می شد و یا به محلی که مرکز دستور می داد، منتقل می شد.

۲. **مقاطعة امانت:** صاحب مقاطعه به عنوان امین انجام وظیفه می کرد و اجرتی را که بابت امانت می گرفت، جزو بدل مقاطعه حساب می کرد. این طرز اداره مقاطعه را «امانت بر وجه التزام» و به شخص پذیرنده التزام «ملتزم» می گفتند. در این روش امین‌ها در صورت ملتزم بودن، مسئولیت‌های سایر ملتزمان را نیز بر عهده می گرفتند. در این شیوه حق بهره‌برداری به مدت سه سال به مزایده گذاشته می شد. در سیستم التزام، امرای صاحب سرمایه در مقابل کمک نقدی به حکومت، امتیاز جمع‌آوری مالیات مناطق را دریافت می کردند که متدائل‌ترین روش جمع‌آوری مالیات در قرن یازدهم هجری قمری بود و با مختصر تغییراتی ادامه یافت (Pamuk, 2003: 95).

وقتی مقاطعه‌دار آن را به نفع خود می دید، می توانست دوباره تا دوازده سال دیگر در اختیار بگیرد. از طرفی، اگر پیش از مدت تحويل، دولت برای آن مقاطعه با پیشنهادی به مبلغ بیشتر رو به رو می شد، التزام طرف را ابطال و وجه آن را قسط الیوم (برای مدت تصرف) محاسبه می کرد. همچنین ممکن بود شخصی چند مقاطعه را التزام کند و ضرر یکی را با سود دیگری جبران کند. حتی امکان داشت کسی

فقط یک مقاطعه را التزام کند؛ این امکان هم وجود داشت که یک مقاطعه به صورت شراکتی به التزام گرفته شود. ملتزم متعهد می‌شد بخشی از بدل، یعنی وجهه التزام را پیش‌پیش بپردازد و برای باقیمانده ضامن معرفی کند. کسانی که نمی‌توانستند بدل التزام را بپردازنند، اموالشان توقيف می‌شد. چنانچه دارایی آنها کمتر از بدل التزام بود، شخص را زندانی می‌کردند (احسان اغلو و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۷۹-۷۸۰). در این نوع مقاطعه کاری، افراد متنفذ و پول‌دار به صورت مزایده با مأموران مالیات قرارداد می‌بستند. ابتدا سهم یا مبالغ قرارداد دولتی را نقد می‌پرداختند، سپس برای کسب منافع شخصی، به مبالغ مالیات دریافتی از رعیت می‌افزودند و آنچه می‌خواستند از اهالی آن ده، شهر یا استان می‌گرفتند (رفیق، ۱۳۳۴: ۳۴۲).

۳. روش مالکانه: در این شیوه املاک و مستغلات به صورت مادام‌العمر به افراد داده می‌شد. این روش درآمدی برای دولت مرکزی به همراه داشت، اما مقطوعان به تدریج به قدرت دست می‌یافتد و سرانجام مشکلاتی برای دولت مرکزی به وجود می‌آورددند. در قرون یازده تا سیزده قمری پاشاه‌ها و خاندان‌های حاکم در مناطق آناتولی، به عنوان مقاطعه‌دار دست به استقلال طلبی زدند، ولی با قهر و غصب از بین رفته و پس از مرگ آنها املاک بار دیگر به حراج گذاشته شد (هامر پور گشتال، ۱۳۶۹: ۱۶۸۰/۲؛ ۱۶۸۳-۱۶۸۳: ۱۴۵-۱۵۳). (Sahillioglu, 1963).

اقسام مقاطعه

دولت عثمانی در قلمرو خود دارای مقاطعات متنوعی^۱ در آناتولی و روم‌ایلی بود. هر یک از این دو ناحیه دارای زیرمجموعه‌هایی بودند که زیر نظر دفترداران اداره می‌شدند. از انواع مقاطعات وابسته به دفترداران می‌توان از مقاطعة موقفات، واردات، تذکرہ‌نگاری، قلاع و تذکرہ احکام نام برد. هر یک از اینها در قلمرو خود به امور مقاطعه‌ها رسیدگی و برات (حکم و اگذاری) و تذکرہ (یادداشت‌ها) مربوط به آنها را صادر می‌کردند. بدین ترتیب، به مرور زمان مقاطعاتی پدید آمد که هر یک به نام محل خود خوانده می‌شد. در بررسی‌های انجام شده مربوط به قرون ده و

۱ در کتاب تاریخ پچوی با تمام جزئیات به مقاطعات مختلف در آناتولی و روم‌ایلی و دیگر ولایات دولت عثمانی پرداخته شده است (پچوی، ۱۲۸۳: ۴۴۸/۱).

یازده قمری در آرشیو عثمانی، از ۵۳۴ مقاطعه یاد شده است که حدود ۶۰٪ آنها مسلمان بودند. بقیه را یهودیان و مسیحیان تشکیل می‌دادند و تعداد مسیحیان کمتر از ۱۰٪ بود (Akdağ, 1975: 50). تنها با مراجعه به اسناد حرمین می‌توان دریافت که ۷۵۲ مقاطعه آن مختص آگاهای دارالسعاده (خواجگان حرم‌سرا) بود، ولی با بهم خوردن شیوه اداری این نوع مقاطعات، به نظام مالکانه (ملک شخصی همیشگی) تبدیل شد و فروش و التزام آنها به دفتردار واگذار گردید (جودت‌پاشا، ۱۳۰۹: ۳۴۱-۳۴۰/۹).

تحول مقاطعه در دولت عثمانی

در نظام مقاطعه همه منابع و درآمد، اموال سلطنتی (خاص همایونی) محسوب می‌شد و سلطان می‌توانست بخشی از آن منابع را به صورت ملک به مالکیت خصوصی افراد درآورد، یا در راه مقاصد مذهبی وقف کند و یا موقتاً به صورت فیف (با توجه به وسعت ملک به عنوان مقاطعه، زعامت و خاص)^۱ در مقابل انجام وظایف نظامی و اداری افراد -به جز کارگزارانی که مسئول تحصیل مالیات‌های این املاک بودند- به آنان واگذار کند (شاو، ۱۳۷۰: ۳/۲). البته با پایان فتوحات، به خصوص در سرزمین‌های عربی و افریقایی و اضمحلال سیستم تیمار و ظهور نظام مقاطعه در امپراتوری عثمانی، تغییرات اساسی در نظام مالی دولت به وجود آمد. اراضی خاص همایونی به شکل مزایده به بالاترین مبلغ -گاهی تا آخر عمر مقطعاً- به آنها واگذار می‌شد (Salzmann, 1993: 393-395). به عبارت دیگر، نوعی خصوصی‌سازی جمع‌آوری مالیات اتفاق افتاد که افراد و مقامات ثروتمند و مطلع وارد عرصه مقاطعه کاری شدند. در نتیجه، کسانی که در بوروکراسی دولت عثمانی منزولی شده بودند، توanstند کسب قدرت کنند. این پدیده نه تنها به معنای از دست دادن کنترل دولت مرکزی نبود، بلکه کنترل منطقی و سیاسی مؤثر به حساب می‌آمد (Darling, 2006: 125). به این ترتیب، مقاطعه کاری روشی برای توسعه ثروت در سراسر امپراتوری و انتقال آن به خزانه مرکزی به شمار می‌آمد. در این فرایند، نخبگان

^۱ زمین‌هایی که درآمد آن از بیست‌هزار آقچه تا صدهزار آقچه بود. «زعامت» و زمین‌هایی که درآمدش از صدهزار آقچه فراتر بود، «خاص» نامیده می‌شد (فریدبک، ۱۴۰۸: ۱۳۲؛ شوکت، ۱۳۲۵: ۱۰۲).

يهودی، یونانی و ارمنی در مناطق مختلف امپراتوری عثمانی ظهور کردند و با طرز تفکر حاکمیتی مقاطعه را به دست گرفتند (Bernard, 1989: 123).

گروه دیگر سپاهیان بودند که در نظام مقاطعه با به خدمت گرفتن رعایا، جمع‌آوری مالیات را به شکل تحول یافته‌ای انجام می‌دادند (Baki, 2012: 289). در بیشتر مقاطعه‌های مالیاتی (التزام) را به مالکان (ملتزم) واگذار می‌کردند و در مقابل، آنان ملزم بودند سالیانه مبلغ ثابتی به خزانه پرداخت کنند. برای تشویق مقاطعه‌داران در اجرای بهتر و ظایف محوله، مبلغ باقیمانده به عنوان سود شخصی به خود آنان باز گردانده می‌شد (سلاویکی ۱۹۷۰: ۱۸۹). در ایالت‌هایی که به صورت مقاطعه اداره می‌شدند، بیشتر وظایف ایالت از جمله برقراری امنیت وأخذ مالیات‌ها بر عهده سپاهیان مقاطعه‌دار بود (امامی خویی، ۱۳۹۵: ۱۷۵). حتی اگر ضرورت جنگ ایجاب می‌کرد که سپاهیان در میدان جنگ به سر برند، از میان آنها عده‌ای به نام «خرج‌لیق‌جی» به داخل کشور بر می‌گشتند و پس از جمع‌آوری مالیات و تأمین هزینه، دوباره به میادین نبرد بر می‌گشتند. آنها پس از مراجعت از میادین نبرد به زراعت و کارهای همیشگی خود مشغول می‌شدند (منجم‌باشی، ۱۲۸۵: ۴۰).

دیگر مقاطعه‌داران، امین‌های حقوق‌بگیر بودند که مالیات حاصل از درآمدهای ایالت‌های خود را به خزانه می‌پرداختند و جمع‌آوری مالیات به صورت مقاطعه به آنها واگذار می‌شد؛ زیرا بیشتر مالیات‌های غیرقانونی که در گذشته به منظور تأمین مالی به جیب مالکان و مقاطعه‌داران می‌رفت، در درون نظام رسمی مالیاتی ادغام شد. بنابراین مقصود از انجام این تغییرات، بیش از آنکه تخفیف بر رعایا باشد، تقویت توان مالی خزانه بود. برای نخستین بار به مدت یک قرن، ممیزی و ثبت منابع درآمد در شهرها و روستاهای در مقیاسی گسترده صورت گرفت تا املاک و منابع ثبت نشده به صورت قانونی و به طور کامل مالیات‌بندی شوند (Raşit, 1867: 145-149).

صاحب منصبان نیز وارد عرصه مقاطعه‌کاری شدند و برای کسب منافع شخصی به تحصیل مالیات‌ها پرداختند. این افراد در طول زمان اجرای مقاطعه‌کاری، دست به رانت‌خواری زدند و با کسب منافع شخصی، به ضرر دفتر مرکزی اقدام کردند. این

اشخاص عمداً تجار و بازرگانان بودند که مقررات جدید با منافع آنان سازگاری نداشت (شرف، ۱۳۱۲: ۳۴۳/۱). آنها منتظر روزی بودند که مأموران جدید به مناطق اعزام شوند تا به دلیل نداشتن روابط محلی و دانش کافی، در انجام وظایف محوله ناکام بمانند. به دنبال این ناکامی‌ها، درآمدهای ناشی از مقاطعه کاری کاهش یافت و در آخر خزانه مجبور شد اصلاحاتی در نظام مقاطعه‌داری مالیاتی اعمال کند. امتیاز تحصیل مالیات‌ها در برخی مقاطعه‌های خاص به مدت دو سال در مرکز ولایات و سنjacق‌ها به صورت مزایده به مقاطعه‌داران مالیاتی واگذار شد. آنها متعهد شدند بیشترین میزان وجوه را در ازاء مقاطعه به خزانه باز گردانند، اما این اقدام سبب شد دوباره مشکلات دیگری مطرح شود و مقاطعه‌داران مالیاتی با توسل به شیوه‌های قانونی و غیرقانونی، تا آنجا که توانستند کشاورزان را تحت فشار قرار دادند تا از این طریق میزان مورد مناقصه را تأمین کنند و پیش از انقضای دوره مزایده، سهم خود را از منافع عاید شده به دست آورند (BVA, Buyuruldu, 1262: IV/40).

حکومت تلاش می‌کرد مقاطعه‌داران را از زمین‌های اعطایی سلب مالکیت کند و این املاک را در زمرة زمین‌های دولتی قرار دهد و مالکان قبلی با دریافت مستمری مدام‌العمری، از کار بازنشسته شوند. این حرکت جدید به دلیل ناتوانی دولت در جایگزین کردن افراد مناسب که بتوانند کشت کنند و یا مالیات‌ها را تحصیل کنند، روندی تدریجی داشت، اما اقدامات تا پایان ۱۲۹۹ق. تکمیل و بر درآمدهای خزانه افزوده شد (Tosuner, 1989: 2).

از ایرادات مهم مقاطعه کاری این بود که برخی مالکان به مدت سی تا چهل سال صاحب ملک و مقاطعه می‌شدند و در درازمدت نواقص مقاطعه کاری و سوءاستفاده مالکان آشکار می‌شد (رفیق، ۱۳۲۴: ۳۴۳). اراضی به سپاهیان واگذار می‌شد که در طول عمر خود بهره و محصول آن را می‌بردند، بدون آنکه مالیاتی به دیوان بدنهند. رعایایی که باید خراج ارضیه و عشریه محصولی را به مالکان می‌پرداختند، گاهی از نصف هم می‌گذشت (هامر پور گشتال، ۱۳۶۹: ۲/۱۳۳۸). برای حل مشکل، تمام مالیات مزارع بزرگ را برای خزانه نظامی متصرکر کردند. مالیات بر بازار را از سر گرفتند و به یک هزینه اضافی دیگر صورتی قانونی بخشیدند که عبارت بود از

هزینه جمع‌آوری مالیات که به مأموران ممیزی و اولیای شهر پرداخت می‌شد (Khoury, 2002: 130-131). با کسب چنین مجوزی به منظور تأمین وجوه اضافی هر چند اندک، مقطوعان تشویق می‌شدند بر آخاذی‌های غیرقانونی خود بیفزایند. البته نظام مقاطعه با همه مشکلاتش به قوت خود باقی ماند؛ تا اینکه برقراری مالیات در نظام مقاطعه منسخ شد و تحصیل مالیات‌ها و تحويل آنها به مأموران اعزامی، از سوی خزانه حکومتی به رهبران ملت واگذار شد (جی‌شاو، ۱۳۷۰: ۱۷۵/۲).

حکومت این تدبیر را با اجرای قانون جدید عملی کرد و با این تصور که بتواند با وا داشتن مقطوعان به تجدید مقاطعه‌های خود در فواصل کوتاه، به طور منظم بر آنان نظارت کند، دوره تصدی مقاطعه‌ها را به یک یا دو سال کاهش داد. برای جلوگیری از ایجاد مراکز قدرت محلی، مقاطعه‌ها به واحدهای روستایی تنزل یافت و مقاطعه‌داران از تملک مقاطعه‌ها در روستاهای سنجاق‌های مجاور محروم شدند. البته نظام نوین همچون گذشته با ترفندهای جدید و مقاومت مقاطعه‌داران، نتوانست دستاوردهای بهتری داشته باشد. با کوتاه شدن دوره مقاطعه‌داری، مقطوعان به منافع بلندمدت خود دیگر توجهی نداشتند و در پی آن بودند که پیش از پایان دوره اجاره، با آخذ مالیات بیشتر دارایی‌شان را افزایش دهند. آنها مقررات را نادیده می‌گرفتند و املاک خود را در سطح روستاهای سنجاق‌ها به مقاطعه واگذار می‌کردند. بدین‌سان سلسله‌مراتبی از واسطه‌ها و دلالی به وجود آمد که به بهای از دست رفتن خزانه و نابودی کشاورزان تمام شد (BVA, Irade,; Meclis 1206 & 532).

مقاطعه‌داران و مأموران مستقر در نقاط حساس، به ویژه جاده‌ها مالیات ویرژه‌ای دریافت می‌کردند. آنها برای عبور مسافران و بازارگانان، مبلغ اضافی می‌گرفتند. البته اتباع خارجی طبق قراردادهای کاپیتوراسیون، از پرداخت چنین مبالغی معاف بودند (جی‌شاو، ۱۳۷۰: ۱۸۱/۲)، اما مقاطعه‌داران در قلمرو عثمانی با تجارت و اتباع بیگانه بدرفتاری می‌کردند و بیشتر موقع حقوق تجاری و اجتماعی آنها نادیده گرفته می‌شد (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۷۰: ۱۳۷۰/۵: ۴۷۱-۴۷۲). با شروع سال ۱۲۵۶ق. سازمان جدید گمرک در استانبول سازماندهی شد. وظیفه آن اجاره دادن همه بنگاه‌های گمرکی مستقر در بنادر اصلی و مراکز تجاری به صورت مزایده برای سه سال بود. چنین مقرراتی برای خزانه و مقاطعه‌داران مالیاتی چنان سودآور بود که این

تدبیر در مورد مالیات‌های غیرمستقیم کالاهایی چون مشروبات الکلی، توتون، انفیه و الوار نیز به کار گرفته شد و مالیات این کالاهای تحت نظارت اداره گمرک قرار گرفت (BVA, Irade, i Vala 5378). البته مالیات بر واردات به دلیل مقاومت شدیدی که قدرت‌های برخوردار از حق کاپیتولاسیون در برابر افزایش مالیات‌ها از خود نشان می‌دادند، به شکل تصنیعی پایین ماند. این وضع تا سال‌های نخست قرن چهاردهم ادامه یافت و در همین احوال بود که مالیات بر واردات تا ۱۵٪ یعنی متناسب با مالیات‌های مرسوم در مناطق افزایش پیدا کرد (جیشاو، ۱۳۷۰: ۱۸۶/۲).

از میان معاملات تجاری نامبرده، پردرآمدترین آنها تهیه و فروش نمک بود. این امتیاز از دیرباز به صورت مقاطعه مالیاتی و به صورت جداگانه برای هر معدن یا منبع واگذار می‌شد و مقاطعه‌داران نیز اداره امور را بر عهده می‌گرفتند. در دوره تنظیمات، این منابع تحت نظارت مستقیم دولت قرار گرفت (BVA, Irade, i Mahsusus 1045). در آمدهای دیگری نیز از راه آهن و شرکت‌های خصوصی راه آهن که امپراتوری در آنها سهمی داشت، به دست می‌آمد. اصلاحات مالیاتی به منظور کسب درآمدهای جدید، ثروت خزانه را طی دهه‌ها پس از جنگ کریمه افزایش داد (BVA, Irade, I, Mahsusus 1206).

خزانه مقاطعات

افزایش چندبرابری هزینه‌ها سبب شد دولت با جست‌وجوی منابع جدید برای تأمین بودجه ویژه عساکر منصوره، خزانه مقاطعات را درون خزانه عامره ایجاد کند که در رجب ۱۲۴۲ ق از خزانه عامره مستقل شد. در سال ۱۲۵۰ ق نیز نام آن به خزانه منصوره تغییر کرد. با گسترش فعالیت نظام مقاطعه، ضروری بود که خزانه مخصوص مقاطعات به وجود آید؛ زیرا پس از تشکیل عساکر منصوره محمدیه، مصارف نظامی چند برابر شد. این امر ایجاب می‌کرد منابع جدید درآمد ایجاد شود (Akyildiz, 1996: 142). برای تأمین و ترمیم خزانه جدید، دولت عثمانی از ولایت‌های مختلف درخواست کمک کرد. فریدون‌بک در منشآت السلاطین از کم و کیف ارسال اموال، گزارش‌های مفصلی داده است؛ از آن جمله ارسال اموال ولایت مصر به خزانه عامره که به درخواست دولت مرکزی انجام شده بود (فریدون‌بک،

۱۲۷۴: ۲۰۷-۲۰۶). علاوه بر این، برای تقویت هرچه بیشتر خزانه، میزان جزیه را بالا برد و عواید مقاطعه‌هایی را که ضرابخانه اداره می‌کرد، افزایش داد؛ از جمله مقاطعه معادن طلا و نقره و عوارض فروش توتون و مالیات‌های دیگر در بعضی نواحی؛ مقاطعه خواص که حاوی املاک اختصاصی سلاطین و وزرا و امرا و گمرک و دخانیات و پشم بعضی از نواحی بود؛ مقاطعات اصلی که شامل مالیات و عوارض و عواید گمرکی بندرهای دریای سیاه بود؛ مقاطعه در سعادت و بورسه و آولونیا و کفه؛أخذ مالیات اغنام؛أخذ جرمیه شرب مسکرات؛مالیات ابنيه خاصه؛انبار و دریا (وفیق‌بک، ۱۳۲۸: ۲۱۰/۱). همچنین درآمد املاک همایون، عواید «قاپوخرجی» و «بچجه بها»^۱ به این امر اختصاص یافت. ساماندهی به امور خزانه مقاطعات، به خزانه عامره واگذار شد. در ادامه، منابع درآمد دیگری نیز به آن اضافه شد که عبارت بود از: عوارض ترتیب اغنام؛رسم احتساب؛رسم میری؛تمغا؛^۲ تخمیس؛قطاریه‌ها؛^۳ و رخصتیه که عوارض جدیدی بر صدور کالاهایی بود که تا آن زمان صادرات آنها ممنوع بود. برای برخی از کالاهای نیز انحصاری با عنوان «ید واحده» بقرار شد. سود حاصل از خرید و فروش این کالاهای انحصاری و درآمد بازرگانی تریاک، به این خزانه اختصاص داده شد (küütüköglü, 1974: 502-503).

ابتدا درآمد و هزینه‌ها زیر نظر مرجع واحدی اداره می‌شد، اما از سال ۱۲۴۵ق/۱۸۲۹م. ضبط و ربط درآمدها به نظارت اداره مقاطعات واگذار و برای نظارت بر مخارج، «مصطفارات» تأسیس شد. در سال ۱۲۵۰ق. خزانه مقاطعات به خزانه منصوره تغییر نام داد (احسان اغلو و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۶۲-۷۶۴).

۱ «قاپوخرجی» (خرجی درگاه) و «بچجه بها» اصطلاحی برای وجودی بود که حاکمان و والیان در برابر منصوب شدن به یک سنجاق یا ایالت و یا ایقا در آنها برای صدراعظم یا بعضی دیگر از دولتمردان می‌فرستادند (احسان اغلو و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۶۲/۲).

۲ تمغا واژه‌ای ترکی- مغولی به معنای داغ، مهر، نشان و نیز بر پایه الدستور (قانون نامه عثمانی که در سال ۱۲۵۵ق. تدوین یافته است) به یک نوع مالیات در حکومت عثمانی گفته می‌شد. همه اسناد و اوراق بهادر به استثنای عریضه‌ها و گزارش‌ها و تذکره‌ها، با تمغاهایی به نام «طغرای همایونی» مهر می‌شد. سپس عریضه‌ها و گزارش‌ها و تذکره‌ها را با تمغای سرد مربوط به همان اسناد مهر می‌کردند و پس از آن تمغای وزارتاخانها را بر این اسناد می‌نهادند (الدستور، ۳۰۱: ۸۵/۲).

۳ قنطرار: به مال فراوانی که بر روی هم انباشته شده باشد، گفته می‌شود. همچنین مشک گاو پر از طلا یا نقره است (شوکت، ۱۳۲۵: ۵۷۸).

درآمد مقاطعه‌های مالکانه که بهره سالیانه آنها از ده کیسه بالاتر می‌رفت، پس از لغو واگذاری وارد خزانه جدید می‌شد، اما برای اینکه سایر خزانه‌های محروم از تمامی درآمدها، دچار ضعف مالی نشوند، تنها بهره‌های آنها به این خزانه واگذار شد و سایر درآمدهای حاصل از آنها مانند «معجله» (قیمت) و «قلمیه» (حق تحریر اسناد) به خزانه جدید واریز می‌شد. به قصد تأمین امکان پرداخت «معجله»، مقاطعه‌های انتقالی از خزانه عامره و ضرابخانه به این خزانه، گردآوری عوارض و در رأس آنها عوارض زجریه (مالیات بر تولید و فروش مشروبات الکلی) به خزانه جدید واگذار شده بود. البته خزانه جدید چندان نپایید و با شروع شورش‌ها که به عزل و قتل سلطان سلیمان سوم (۱۴۰۳-۱۴۰۴ق) انجامید، نهادهایی که او بنیان نهاده بود نیز منحل شد (اینالجق، ۱۳۸۸: ۳۳۴).

سرانجام پس از آنکه سلطان محمود ثانی (حک: ۱۲۲۳-۱۲۵۵ق) بساط یعنی چری‌ها را برچید و اصول تیمار (تیولداری) را برانداخت، دو اداره برای رسیدگی به حساب‌های نظامیان و اقطاعات تشکیل شد. به موجب فرمان ۳ ذی‌حجه ۱۲۵۳، دفترخانه‌ها در هم ادغام شدند و اصطلاح دفترداری از استعمال خارج شد. در جمادی‌الاولی ۱۲۵۵ اصطلاح «دفترداری» جای خود را به «خزینه مقاطعات» و «خزینه عامره» داد. در رجب همان سال عنوان «دفتردار خزینه مقاطعات» به «ناظر مالیه» (وزیر مالیه) تغییر کرد، اما عنوان «دفتردار خزینه عامره» همچنان حفظ شد. دو سال بعد عنوان «نظرارت امور مالیه خزینه» (وزارت مالیه) از ادغام وظایف دو عنوان سابق به وجود آمد و وظایف آن با تغییراتی تا پایان عصر عثمانی باقی بود (وفیق‌بک، ۱۳۲۸: ۱۲۸۸).

مقاطعه و کشاورزان

حاکمان، اراضی موجود در قلمرو عثمانی را از آن خود می‌دانستند و آن را به واحدهایی به نام «چفتلک»^۱ جدا و بین خانواده‌های روستایی توزیع می‌کردند و به نام مالک به ثبت می‌رساندند (Mahsus i Irade-BVA، 1045). زمین‌هایی نیز

^۱ واژه‌ای معمول برای زمین مزروعی در زبان ترکی است، اما در عهد عثمانی این واژه ابتدا بر واحد معینی از زمین کشاورزی در نظام زمین‌داری و بعدها بر املاک بزرگ اطلاق می‌شد (اینالجق، ۱۳۸۸: ۱۷۴).

وجود داشت که طبق اصول مقاطعه به داوطلبان اجاره می‌دادند. این اشخاص در برابر حق‌الاجاره سالانه، حق تصرف قطعه زمین در روستا یا معدن در شهر را به دست می‌آوردن و فعالیت می‌کردند. گاهی نیز اراضی مقاطعه به‌طور کامل به صورت زمین تصرفی ثبت شده اجاره کننده درمی‌آمد (احسان اغلو و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۹۹/۲).

برای افزایش درآمدهای ناشی از مقاطعه‌ها، فرمانی صادر شد که دوره تصدی این مقاطعه‌ها به یکباره برای پنج سال تجدید شد؛ بدین امید که مقطوعان تشویق شوند تا منافع بلندمدت زمین‌های تحت نظارت خود را مورد توجه قرار دهند و با اجتناب از مالیات‌بندی‌های غیرعادی و سنگین، کشاورزان را بر روی زمین‌ها حفظ کنند و نرخ مشخصی را در مورد محصولات کشاورزی تثیت کنند. در ازای برخورداری از مقاطعه‌های بلندمدت که معمولاً بدون مزایده و اگذار می‌شد، مقاطعه‌داران بهناچار می‌بایست با مفادی که حمایت از کشاورزان را تصریح می‌کرد، موافقت کنند. آنان ناگزیر بودند وجوه مورد نیاز کشاورزان را با همان بهره اسمی در اختیارشان قرار دهند تا آنان بتوانند بی‌آنکه در چنگ رباخواران گرفتار شوند، وسایل، احشام و بذر مورد نیاز خود را فراهم کنند (جی‌شاو، ۱۳۷۰: ۱۷۳/۲). مقطوعان نمی‌توانستند کشاورزان را مجبور کنند پیش از برداشت محصول مالیات‌های خود را پردازنند. همچنین موظف بودند محصولاتی را که کشاورزان به عنوان مالیات به دولت می‌دادند، به نرخ جاری بازارهای همان محل ارزیابی کنند. در مقابل، مقطوعان در دهات در جمع آوری مالیات و حفظ امنیت محل و سرکوبی راهنمایان نظارت می‌کردند تا کشاورزان زمین بیشتری را زیر کشت ببرند و از محل خود مهاجرت نکنند و از تعداد آنها کاسته نشود (پاکپور، ۱۳۹۶: ۸۱؛ ایتسکویتس، ۱۳۷۷: ۷۶-۸۰).

به منظور بهبود کشاورزی، در دوره تنظیمات نیز کشاورزان مجاز به گسترش مناطق تولید خود و افزایش تولید محصولات با ارزش افزوده بودند. معافیت مالیاتی وقت به این محصولات اعطای شد و آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی بود که زمینه تنظیمات تولید آنها را فراهم کرد و انحصارات دولتی را از بین برد (Güran, 1992: 224).

گفتنی است این تغییر و تحولات در راستای منافع مقطوعان بود و گاهی وزیران نیز با کنار گذاشتن قوانین دولتی باعت می‌شدند دوباره مشکلات دیگری مطرح شود. مقاطعه‌داران با توسل به شیوه‌های قانونی و غیرقانونی، تا می‌توانستند کشاورزان را تحت فشار قرار می‌دادند تا میزان مورد مناقصه را تأمین کنند و به منافع خود برسند. این روند موجب تنگدستی و پریشانی رعیت و انواع ظلم به اشاره فرودست جامعه می‌شد. در نتیجه، نارضایتی روستاییان را به دنبال داشت که پیامد آن ویرانی آبادی‌ها و رها کردن زمین توسط روستاییان بود. شهرها مملو از جمعیت شد و شهرهای کوچک و روستاهای به صورت انبار باروتی درآمدند که تنها جرقه‌ای کافی بود تا آنها را شعله‌ور کند (رفیق، ۱۳۳۴: ۳۴۱؛ جی‌شاو، ۱۳۷۰: ۳۹۳/۱). برای اصلاح امور، محمود دوم در ۱۷ جمادی‌الاول ۱۲۵۴ دستور داد ارزیابی‌های جدیدی از دارایی‌های مردم سراسر امپراتوری به عمل آید و وضع مالیات‌های جدید مطابق با توانایی‌های افراد اعمال شود. البته ارزیابی‌ها فقط در نواحی بورسه و گالیپولی انجام شده بود که سلطان در گذشت و اصلاحات تا سال‌های تنظیمات به تعویق افتاد. در این زمان نظام مالیاتی بنا بر مصوبه مجلس در ۱۲ ذی‌الحجه ۱۲۵۵ ق. منسخ شد و سازمان جدید مالیاتی اغنام و عشریه‌ها در وزارت امور مالی تشکیل گردید تا مالیات‌های مستقیم را تدوین کند. حتی در همین برهه با مخالفت مالکان و مقاطعه‌داران،أخذ مالیات‌ها به تعویق افتاد. سرانجام در سال ۱۳۵۸ق. مالیات‌های غیرمستقیم منسخ شد (جی‌شاو، همان، ۱۷۲/۲-۱۸۷). بدین ترتیب، تشکیل گردید تا نظام مقاطعه‌داری در عثمانی نه تنها بر مبنای فعالیت‌های سیاسی و نیازهای اداری و اقتصادی حکومت مرکزی شکل گرفت، بلکه مطابق با گسترش ارضی و تحولات اداری و سیاسی بازسازی شد. کارگزاران چنین سیستمی کنشگرانی از لایه‌های مختلف جامعه، اعم از صاحب‌منصبان سیاسی، فرماندهان نظامی تا سپاهیان ساده، کشاورزان، کارمندان گمرک و غیره بودند که در بخش‌های مختلف مقاطعه‌داری نقش ایفا می‌کردند. بر همین اساس، تداوم و پایداری نظام سیاسی تا اندازه زیادی وابسته به فعالیت و موفقیت مقاطعه‌داران بود و ضعف و سستی یا عدم موفقیت نظام مقاطعه‌داری نقش بسزایی در نارضایتی مردم در مناطق مختلف و ناپایداری حکومت عثمانی، بهویژه در اوایل قرن بیستم داشت (رئیس‌نیا، ۱۳۷۴: ۱۵۷/۳-۱۵۸).

نتیجه‌گیری

امپراتوری عثمانی به عنوان یک نظام سیاسی و نظامی در جهان شناخته می‌شود، ولی اطلاعات زیادی از نظام مالی عثمانی به‌ویژه به زبان فارسی وجود ندارد. همان‌گونه که می‌دانیم این امپراتوری بارها با مشکلات مالی و کمبود پول نقد مواجه شده بود که عمدتاً ناشی از جنگ بود. برای برطرف کردن این مشکلات، نظام مقاطعه را ایجاد کردند و با جمع‌آوری مالیات و دریافت پول از مقطعنان توانستند به نظام مالی سر و سامان دهند. بدین ترتیب، اگرچه اقتدار و تدوام امپراتوری عثمانی بیشتر جلوه سپاهیگری و تحرکات نظامی داشت، ولی اساس قدرت و شکوه حکومت عثمانی را باید در نظام مالی، به‌ویژه سیستم مقاطعه مورد توجه قرار داد. البته زمانی که بیشتر ایالت‌ها و سنجاق‌ها در قالب مقاطعه‌های مالیاتی به مقام‌های بالای این ولایات داده شد و سنجاق‌ها به بالاترین قیمت‌ها واگذار شد و آنان ملزم شدند سهم قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای پیشینی شده را به خزانه پردازند، تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی سبب شد کارگزاران مالیاتی با جمع‌آوری مالیات به شیوه‌های نادرست، صدور برات‌ها و دریافت‌های فوق العاده و چندین باره آنها و همچنین وصول مکرر و ظالمانه، عواقب ناخوشایندی را برای امپراتوری عثمانی رقم بزنند. این رفتار نامتعارف زمینه را برای ترک مایملک روستاییان و گروه‌های مولد ارزاق عمومی فراهم کرد که در نتیجه، گروه‌های زیادی از مناطق روستایی و کشاورزی مهاجرت کردند و به شهرها سازیر شدند. این رخداد علاوه بر آنکه مضلات اجتماعی شهرها را افزایش داد، بلکه تجار و بازار گنان نیز در برابر تزايد مالیات تضعیف شدند. سرانجام در دوره متأخر، نظام مقاطعه چنان رو به ضعف گذاشت که نقش مؤثری در افول و فروپاشی امپراتور داشت و با جایگزینی نظام جدید، به کلی ملغی شد.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید
- احسان اغلو، اکمل الدین و جمعی از نویسندهای (۱۳۹۶)، دولت و جامعه در دولت عثمانی، ترجمه زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۲، تهران: کتاب مرجع.
- الدستور؛ ترجمة من اللغة التركية إلى العربية (۱۳۰۱)، ترجمة نوفل افندي نعمة الله نوفل، به کوشش خلیل افندي خوری، ج ۲، بیروت: [بی‌نا].

- امامی خویی، محمد تقی (۱۳۹۵)، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، تهران: سمت.
- اوژن چارشیلی، اسماعیل حقی (۱۳۷۷)، *تاریخ عثمانی*، ترجمه ایرج نوبخت، ج ۵، تهران: کیهان.
- ایتسکویتس، نورمن (۱۳۷۷)، *امپراتوری عثمانی و سنت اسلامی*، ترجمه احمد توکلی، تهران: نشر پیکان.
- اینالباق، خلیل (۱۳۸۸)، *امپراتوری عثمانی در عصر مقدم ۱۴۰۰-۱۶۰۰*، ترجمه کیومرث فرقلو، تهران: بصیرت.
- (۲۰۰۲) *تاریخ الدولة العثمانية من النشوء إلى الانحدار*، ترجمه محمد م. ارناؤوط، بیروت: [بی‌نا].
- پاکپور، سبحان (۱۳۹۶)، *تاریخ عثمانی*، قم: انتشارات مؤسسه اسلامی.
- پچوی، ابراهیم (۱۲۸۳)، *تاریخ پچوی*، ج ۱، استانبول: مطبعة عامرة.
- جودت‌پاشا، احمد (۱۳۰۹)، *تاریخ جودت*، ج ۹، استانبول: مطبعة عثمانی.
- جی‌شاو، استانفورد (۱۳۷۰)، *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، ج ۱، ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۴)، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، ج ۳، تبریز: انتشارات ستوده.
- رفیق، محمد (۱۳۳۴)، *تاریخ عثمانی انجمانی مجموعه سی*، [بی‌جا]: هلال مطبعه سی.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۲)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، ج ۱، تهران: امیر کبیر.
- سلانیکی، مصطفی (۱۹۷۰)، *تاریخ سلانیکی*، فریبورگ.
- شرف، عبدالرحمن (۱۳۱۲)، *تاریخ دولت عثمانی*، ج ۱، استانبول: قره بت مطبعه سی.
- شوکت، محمود پاشا (۱۳۲۵)، *عثمانی تشکیلات و قیامت عسکریه سی*، [بی‌جا]: مطبعة مکتب حریبه.
- صولاقيزاده، محمد همدانی چلبی (۱۲۹۷)، *تاریخ صولاقيزاده*، استانبول: محمود بک مطبعه سی.
- طاشکوبیری‌زاده، احمد بن مصطفی (۱۳۹۵ق)، *الشقائق النعمانية في علماء الدولة العثمانية*، بیروت: دار الكتب العربي.
- عاشق پاشازاده، احمد (۱۳۳۲)، *تواریخ آل عثمان*، استانبول: مطبعة عامرة.
- فریدبک، محمد (۱۴۰۸ق)، *تاریخ الدولة العلیة العثمانیة*، ترجمه احسان حقی، بیروت: [بی‌نا].
- (۱۲۷۴)، *منشآت السلاطین*، استانبول: مطبعه عامرة.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی (۱۳۷۰)، ج ۵، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- منجم‌باشی، (احمد بن لطف الله) (۱۲۸۵)، *صحائف الاخبار فی وقایع الاعصار*، استانبول: مطبعه عامرة.
- نشاط، محمود (۱۳۶۸)، *شمار و مقدار در زبان فارسی*، تهران: امیر کبیر.
- وفیق‌بک، عبدالرحمن (۱۳۲۸ق)، *تکالیف قواعدی*، ج ۱، استانبول: مطبعه قدر.
- هامر پور گشتال، یوزف فون (۱۳۶۹)، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر، ج ۲، تهران: زرین.

منابع لاتین:

- Akdag , Mustafa (1975), *Türk Halkının Dirlik Ve Düzenlik Kavgası*, Ankara.
- Akyildiz, Ali (1996), *Osmalı Bürokrasisi ve Modernleşme*, İstanbul.
- Barkan ,Ömer Lütfi (1943), XV ve XVI, *Asýrlarda Osmanlý Ýmparatorluðunda Zirai Ekonominin, Hukuki ve Mali Esaslarý,Kanunlar*, İstanbul.
- Baki, Tezcan (2012), *The Second Ottoman Empire:Political and Social Transformation in the Early Modern World*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Bernard, Lewis (1989), “Ottoman Land Tenure and Taxation in Syria”, *Studia Islamic*.
- *BVA,Buyuruldu IV,40* (Cemazi I,1262).
- *BVA, İrade, Meclis – i Vala 5378.*
- *BVA, İrade,Meclis Vala 9828, 13897; Meclis-I Mahsus 532.*
- *BVA, İrade, Meclis – I Mahsus 1206 .*
- *BVA, İrade, Meclis – i Mahsus 1045.*
- Darling, Linda T (2006), “Public finances: the role of the Ottoman centre”, *The Cambridge History of Turkey*,1603-1839 .
- Genç, Mehmet (1985), “Osmanlı Devletinde ic Gümrük Rejimi”, *Tanzimat ian Cumhuriver'e Tir hive Ansiklopedisi*.
- (2006), “MUKÂTAA”, *Osmanlı maliyesinde vergi gelir birimini ifade eden bir terim, Bu madde TDV İslâm Ansiklopedisi 'nin*, yılında İstanbul'da basılan 31, cildinde.
- Güran, Tevfik (1992), “Zirai Politika ve Ziraatte Gelişmeler 1839-1876”,*150. Yılında Tanzimat*, Ankara.
- Khoury, Dina Rizk (2002), *State and Provincial Society in the Ottoman Empire: Mosul 1540–1834*, Cambridge.
- Küttükoðlu, Mübahat (1974), “Tanzimat Devri Osmanlı; İngiliz Gümrük Tarifeleri”, *Tarih Enstitüsü Dergisi*, sayı 4-5, İstanbul.
- Onar, Siddik Sami (1962), *İdare Hukukumuzun Umumi Esasları*, İstanbul.
- Ortaylı, İlber (1979), *Turkiye İdare Tarihi*, Ankara.
- Pakalın, mehmet zeki (1971), *osmanlı tarih deyimleri ve terimleri sözlüğü, milli*

- eğitim basımevi*, İstanbul.
- Pamuk, Şevket (2003), *Osmalı İmparatorluğu'nda Paranın Tarihi*, İstanbul .
 - Raşit, Mehmet (1867), *Raşit Tarihi*, Vol.5, İstanbul.
 - Sahillioğlu, Halil (1963), “Bir Mültezim Zimem Defterine Göre XV. Yüzuil Sonunda Osmanlı Darphane Mukataaları”, IFM, XXIII/1-2.
 - Salzmann, Ariel (1993), “An Ancien Regime Revisited: “Privatization” and Political Economy in the Eighteenth-Century Ottoman Empire”, *Politics and Society* 21, no.4 .
 - Tabakoğlu, Ahmet (1985), *Gerileme Dönemine Girerken Osmanlı Maliyesi*, İstanbul.
 - Tosuner, Mehmet (1989), *Sonrası Türk Vergi Sisteminin Yapısı ve Gelişimi*, Bayraklı Matbaacılık, İzmir.

List of sources with English handwriting

- The Holy Quran
- Ashegh Pashazadeh, Ahmad (1332), *Tavarikh Al-Uthman*, İstanbul: Amra Press.
- Düstur; Tr. from Turkish to Arabic (1301) by Nawfal Effendi & Khalil Effendi Khouri (ED.), vol. 2, Beirut: [Anonymous].
- Ehsan Oghloo, Akmal al-Din & et al. (1396), the state and society of the Ottoman State, Tr. under the supervision of Gholam Ali Haddad Adel, vol. 2, Tehran: Reference book.
- Emami Khoei, Mohammad Taghi (2016), *History of the Ottoman Empire*, Tehran: Samat.
- Faridbek, Mohammad (1408 AH), History of the High Ottoman State, Tr. by Ehsan Haqi, Beirut: [Anonymous].
- Fereydoun Beck, Ahmad (1991), Selected Iranian and Ottoman Political Documents, Vol. 5, Tehran: Office of Political and International Studies.
- ----- (1274), *Menshat al-salatin*, İstanbul: Ameri Press.
- Güran, Tevfik (1992), “Zirai Politika ve Ziraatte Gelişmeler 1839-1876”, *150. Yılında Tanzimat*, Ankara.
- Hammer-Purgstall, Joseph von (1369), *History of the Ottoman Empire*, Tr. by

- Mirza Zaki Aliabadi & Jamshid Kianfar (ED.), Vol. 2, Tehran: Zarrin.
- Inalcık, Halil (2009), *the Ottoman Empire in the Early Ages 1300-1600*, Tr. by Kiomars Gharghloo, Tehran: Basirat.
 - —————— (2002), *History of the Ottoman State from the Start to the End*, Tr. by Mohammad M. Arnaout, Beirut: [Anonymous].
 - Itzkowitz, Norman (1998), *the Ottoman Empire and the Islamic Tradition*, Tr. by Ahmad Tavakoli, Tehran: Peykan Publications.
 - Judet Pasha, Ahmad (1309), *History of Judet*, vol. 9, Istanbul: Ottoman Press
 - Monajembashi, (Ahmad Ibn Lutfullah) (1285), *Sahaif al-Akhbar fi Waqi'at al-Asar*, Istanbul: Amira Press.
 - Neshat, Mahmoud (1989), *Number and Amount in Farsi*, Tehran: Amirkabir.
 - Ozon Charshili, Ismail Haghī (1998), *Ottoman History*, Tr. by Iraj Nobakht, vol. 5, Tehran: Kayhan.
 - Pakpour, Sobhan (1396), *Ottoman History*, Qom: Islamic Institute Publications.
 - Peçevi, Ibrahim (1283), *History of Peçevi*, vol. 1, Istanbul: Amira Press.
 - Rafiq, Mohammad (1334), *Association History of Ottoman*, [N.P.]: Hilal Press.
 - Raisinia, Rahim (1374), *Iran and the Ottoman Empire on the Verge of the Twentieth century*, Vol. 3, Tabriz: Sotoudeh Publications.
 - Selaniki, Mustafa (1970), *History of Selaniki*, Friburk.
 - Stanford, Jay Shaw (1370), *History of the Ottoman Empire and modern Turkey*, Tr. by Mahmud Ramezanzadeh, vol. 1, 2, Mashhad: Astan Quds Razavi.
 - Shaukat, Mahmud Pasha (1325), *Ottoman Organization and appearance of the Army*, [N.P.]: Maktab Haribeh Press.
 - Solaqzadeh, Mohammad Hamdami Chalabi (1297), *History of Solaqzadeh*, Istanbul: Mahmudbek Press.
 - Sharaf, Abd al-Rahman (1312), *History of the Ottoman State*, vol. 1, Istanbul: Qarabat Press.
 - Tabakoğlu, Ahmet (1985), *Gerileme Dönemine Girerken Osmanlı Maliyesi*, Istanbul.
 - Waqibbek, Abd al-Rahman (1328 BC), *Taklif Qawaedi*, Vol. 1, Istanbul: Qadr Press.
 - Zaydan, Jurji (2003), *History of Islamic Civilization*, Tr. by Ali Javaherkalam,

vol.1, Tehran: Amirkabir.